



بخشی از

کتاب

فارسی نهم

انتشارات تک رقمی‌ها





الہام سید صاحبی

قاری





زیبایی آفرینش



درس اول: آفرینش به تنبیه خلاف‌فرد است

حکایت: سفر

درس دوم: مجاب صغ حق تعالی

شعرخوانی: پرواز

نیست گوش‌ی که همی نشنود آوای تو را

دیده‌ای نیست نبیند رخ زیبای تو را

❖ معنی واژه: دیده: چشم / رخ: چهره، صورت / آوا: صدای دلنشین

❖ معنی بیت: هیچ چشمی وجود ندارد که صورت زیبای تو را نبیند و هیچ گوش‌ی وجود ندارد که صدای دلنشین تو را نشنود.

❖ نکتهٔ دستوری: دیده: نهاد / رخ زیبای تو: مفعول / آوای تو: مفعول / در هر دو مصراع «نیست» به معنی «وجود ندارد» است و فعل اسنادی نمی‌باشد.

❖ آرایهٔ ادبی: دیده و گوش و رخ: مراعات نظیر / دیده و نبیند: تناسب / گوش، نشنود و آوا: مراعات نظیر

❖ دانش ادبی: تو را: ردیف / زیبا و آوا: قافیه



امام خمینی (ره): سال تولد: ۱۲۸۱ هجری شمسی / محل تولد: خمین وفات: خردادماه ۱۳۶۸ / نام استاد: حاج شیخ عبدالکریم حائری / شروع مبارزه علیه شاه: سال ۱۳۴۱ / دستگیری و زندانی شدن: در ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ / تبعید به: ترکیه و نجف



درس اول: آفرینش همه تنیه خداوند دل است



هرگاه بخواهیم منظور خود را زیباتر و دلنشین‌تر کنیم، از ادبیات بهره می‌گیریم؛ به همین دلیل است که ادبیات را زبان هنر می‌نامند. شاعران و سخنوران برای زیبایی کلام از آرایه‌های ادبی استفاده می‌کنند. اکنون برخی از آرایه‌های ادبی را با هم مرور می‌کنیم.

مراعات نظیر: آوردن کلماتی نظیر هم که از نظر جنس، نوع، مکان، زمان، همراهی و ... با هم تناسب دارند و از یک

مجموعه محسوب می‌شوند. که آوردن نام یکی، ما را به یاد کلمه دیگر می‌اندازد.

مثال: بسی تیر و دی ماه و اردیبهشت برآید که ما خاک باشیم و خشت

تضاد (طباق): آوردن دو کلمه مخالف در یک بیت یا عبارت را آرایه تضاد می‌گویند.

مثال: در نویدی بسی امید است پایان شب سیه سپید است

ترادف: آوردن دو کلمه مترادف و هم‌معنی در بیت یا عبارت را آرایه ترادف گویند.

مثال: با صبر و شکیبایی باید بر مشکلات غلبه کنیم.

اشتقاق (هم خانواده): آوردن کلماتی از یک ریشه (هم خانواده) را اشتقاق می‌گویند.

مثال: ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد دل رمیده ما را انیس و مونس شد

تکرار: تکرار یک یا چند واژه در مصراع، بیت یا عبارت به شیوه‌ای هنرمندانه را تکرار می‌گویند. در آرایه تکرار باید دقت کنیم که تکرار به زیبایی کلام بیفزاید و باعث طولانی شدن بی‌مورد کلام نشود.

مثال: گل آن جهانی است ننگجد در این جهان در عالم خیال چه گنجد خیال گل

تشخیص (جان بخشی به اشیا، انسان نمایی پدیده‌ها): نسبت دادن یکی از ویژگی‌های انسانی به جسم بی‌جان را تشخیص می‌گویند.

مثال ۱: دانه آرام بر زمین غلتید مثال ۲: رفت و انشای کوچکش را خواند (انشا خواندن دانه)

● نکته: هرگاه منادا غیرانسان باشد، آرایه ادبی تشخیص به کار رفته است.

مثال: مگر ای سحاب رحمت، تو بباری ار نه دوزخ به شرار قهر سوزد همه جان ماسوا را

تشبیه: مانند کردن چیزی به چیز دیگر را تشبیه می‌گویند.

مثال ۱: مادر مانند فرشته مهربان است. مثال ۲: شهید چون شقایق سرخ است.

ارکان تشبیه: هر تشبیه چهار رکن دارد.

مشبه: چیزی یا کسی که قصد مانند کردن آن را داریم. در مثال‌های بالا «مادر» و «شهید» مشبه هستند.

مشبه به: چیزی یا کسی که مشبه را به آن تشبیه می‌کنیم. در مثال‌های بالا «فرشته» و «شقایق» مشبه به هستند.

ادات تشبیه: به کلماتی که نشان دهنده پیوند شباهت هستند و مشبه و مشبه به را به هم پیوند می‌دهند کلماتی از قبیل: مانند، همانند، چو، چون، همچون، مثال، بسان، گویی و ...

وجه شبه: ویژگی‌های مشترک بین مشبه و مشبه به را گویند. در مثال‌های بالا کلمات «سرخ» و «مهربان» وجه شبه هستند.

● نکته: مشبه و مشبه به قسمت‌های اصلی تشبیه هستند و هیچ‌گاه حذف نمی‌شوند.

تشبیه بلیغ: گاهی در تشبیه، ادات تشبیه و وجه شبه حذف می‌شود که به این نوع تشبیه، تشبیه بلیغ می‌گویند.

تشبیه بلیغ بر دو قسم است:



۱) تشبیه اسنادی: که در آن مشبه و مشبه‌به، با یک فعل اسنادی به هم ربط داده می‌شوند.

مثال ۱: خارم ولی به سایه گل آرمیده‌ام (من مثل خار هستم).

مثال ۲: سخن جان است. (سخن مثل جان است).

۲) اضافه تشبیهی: مشبه و مشبه‌به به کمک کسره به هم پیوند داده می‌شوند.

مثال ۱: باران رحمت: رحمت (مشبه) و باران (مشبه به) است.

مثال ۲: دریای علم: علم مثل دریا است.

سجع: در لغت به معنی آواز کبوتر است و در اصطلاح ادبی به کلمات هم‌آهنگی گفته می‌شود که در نثر به کار می‌روند و باعث زیبایی و خوش‌آهنگی کلام می‌شوند. به نثری که سجع داشته باشد، نثر مسجع می‌گویند. سجع در نثر مانند قافیه در شعر است.

مثال: الهی، دانایی ده که از راه نیفتیم و بینایی ده تا در چاه نیفتیم. (دانایی و بینایی / راه و چاه)

جناس: آوردن کلماتی که دارای حروف مشترک و هم‌جنس هستند. این آرایه بر تأثیر موسیقی و آهنگ کلام می‌افزاید.

جناس بر دو نوع است: جناس تام و جناس ناقص

۱) جناس تام: در این نوع جناس کلمات از نظر تلفظ و نوشتار کاملاً مثل هم هستند، ولی معنی آنها متفاوت است.

مثال: بهرام که گور (گورخر) می‌گرفتی همه عمر دیدی که چگونه گور (مزار، قبر) بهرام گرفت

● نکته: اگر دو کلمه نوشتار، تلفظ و معنی یکسان داشته باشند، جناس تام نمی‌شوند و آرایه تکرار است.

مثال: گر تو را آهنگ وصل ما نباشد گو مباش دوستان را جز به دیدار تو هیچ آهنگ نیست (تکرار)

● نکته: اگر در آخر مصراع‌ها جناس تام به کار رفته باشد، کلمات ردیف به شمار نمی‌آیند و قافیه هستند.

مثال: خرامان بشد سوی آب روان (جاری) چنان چون شده باز جوید روان (روح)

۲) جناس ناقص: به کلماتی که فقط با هم یک تفاوت دارند، جناس ناقص گویند.

جناس ناقص به سه دسته تقسیم می‌شود:

الف) جناس ناقص حرکتی: در این نوع جناس نوشتار کلمات کاملاً مثل هم است، اما تلفظ آنها با هم فرق دارد. مانند: شکر

شکر / کرم گرم / دُرد دَرْد / کِشتی کُشتی / مَلک و مَلک و مَلک و ...

ب) جناس ناقص اختلافی: همانطور که از نام آن پیداست دو کلمه فقط در یک حرف با هم اختلاف دارند. این اختلاف ممکن

است در اول آخر یا وسط کلمه باشد. مانند: باد، بار / داد، یاد / آزادی، آزاده بود / بید و بود

مثال: فلک باخت از سهم آن جنگ رنگ بود سهمگین جنگ شیر و پلنگ

پ) جناس ناقص افزایشی: همانطور که از نام آن پیداست، یکی از دو کلمه فقط یک حرف بیشتر دارد.

مانند: آزاد، آزادی / بود، نبود

مثال: موج‌ها خوابیده‌اند آرام و رام طبل طوفان از نوا افتاده است



قالب شعر: قصیده

قصیده: قالب شعری است که مصراع اول آن با تمام مصراع‌های دوم آن هم قافیه هستند و

تعداد ابیات آن از ۱۵ بیت تا ۸۰ بیت هم می‌رسد.

موضوع قصیده معمولاً مدح و ستایش، هجو و نکوهش، وصف طبیعت، پند و اندرز و بیان

مسائل اخلاقی و اجتماعی است.

ایستگاه دانش زبانی (یادآوری)

انواع «و»

«و» ربط: گاه «و» بعد از فعل و بین دو جمله می‌آید و دو جمله را به هم پیوند می‌زند که در این صورت حرف ربط است. مثال: به بازار رفتیم و لباس خریدیم.

● نکته: دقت کنید اگر بعد از فعل «و» آمد و جمله بعد فعل نداشت، حتماً فعل به قرینه لفظی حذف شده است.

مثال: سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی (کنی) عشق محمد بس است و آل محمد (بس است)

«و» عطف: گاه میان دو اسم یا صفت «و» قرار می‌گیرد، در این صورت، به این «و» حرف عطف می‌گویند و واژه دوم معطوف به واژه اول است و نقش واژه اول را می‌گیرد.

مثال: از بازار کیف و کفش خریدیم.

«کیف» مفعول است و «کفش» بعد از «و» عطف آمده و معطوف به «کیف» است، پس «کفش» هم نقش مفعولی را می‌پذیرد.

خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار

بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار

● معنی واژه: بامداد: صبح / لیل: شب / نهار: روز

● معنی بیت: در صبح اولین روز فصل بهار که طول شب و روز یکسان و مساوی است، رفتن به باغ و صحرا و تماشای گل‌های زیبای بهاری بسیار لذت بخش است.

● نکتهٔ دستوری: بامدادی: قید زمان / تفاوت نکند (تفاوت نمی‌کند): فعل مضارع / لیل: نهاد / نهار: معطوف و نهاد / خوش: مسند / بُود: فعل مضارع اسنادی / دامن صحرا و تماشای بهار: نهاد / بیت دو جمله است.

● آرایهٔ ادبی: لیل و نهار: تضاد و تناسب / بهار و نهار: جناس ناقص اختلافی / بامداد و لیل و نهار: مراعات نظیر

ایستگاه دانش زبانی (پیش‌تریدیم)

بدل: یک گروه اسمی است که برای توضیح یا تأکید بیش‌تر یکی از اجزای جمله مثل نهاد، مفعول، مسند در جمله می‌آید. در گذشته بدل بین دو خط تیره قرار می‌گرفت، ولی اکنون نشانهٔ نگارشی آن ویرگول (،) است. بدل از اجزای اصلی جمله نیست و با حذف آن معنی جمله تغییر نمی‌کند. به مثال‌های زیر توجه کنید.

مثال ۱: سعدی، کتاب بوستان را به نظم سروده است.

مثال ۲: سعدی، شاعر بزرگ قرن هفتم، کتاب بوستان را به نظم سروده است.

در مثال ۲، «سعدی» نهاد جمله است و عبارت «شاعر بزرگ قرن هفتم» که میان دو ویرگول آمده است، برای توضیح بیش‌تر دربارهٔ سعدی، نهاد جمله، آمده است و به آن بدل می‌گوییم. اگر به مثال ۱ نگاه کنید، متوجه می‌شوید بدون عبارت «شاعر بزرگ قرن هفتم» هم جمله کامل است.

دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است

● معنی واژه: تنبیه: آگاه کردن / خداوند: صاحب / خداوند دل: صاحب دل، عارف / اقرار: اعتراف

● معنی بیت: تمام پدیده‌های جهان آفرینش برای آگاهی انسان‌های عارف است و کسی که به وجود خدا با دیدن این همه نشانه اقرار نمی‌کند و خدا را انکار می‌کند، ذوق و احساس ندارد.

● نکتهٔ دستوری: آفرینش: نهاد / همه: ضمیر مبهم، بدل / تنبیه خداوند دل: مسند / «دل» در مصراع دوم: مفعول / ندارد: فعل گذرا به مفعول / «که» به معنی «کسی که»: ضمیر مبهم و نهاد / به: حرف اضافه / خداوند: متمم / اقرار ندارد: فعل مرکب / بیت سه جمله دارد.

● آرایهٔ ادبی: واج‌آرایی حروف «د» و «ر» / خداوند، دل و ندارد: تکرار / آفرینش و خداوند: مراعات نظیر



این همه نقش عجب، بر در و دیوار وجود هر که فکرت نکند، نقش بود بر دیوار

معنی واژه: نقش: تصویر، شکل / عجب: عجیب، شگفت / وجود: هستی، دنیا / فکرت: فکر، اندیشه

معنی بیت: هر کس که با وجود این همه نقش‌های زیبا و پدیده‌های عجیب جهان آفرینش به آفریننده آنها نیندیشد، مانند عکس روی دیوار بی‌روح و احساس است.

نکته دستوری: این همه نقش عجب: گروه نهادی / این همه: وابسته پیشین، صفت اشاره / نقش: هسته / عجب: وابسته پسین، صفت بیانی / بر: حرف اضافه / در: متمم، هسته / و: حرف عطف / دیوار: متمم، هسته / وجود: وابسته پسین، مضاف الیه / قرار دارد: فعل حذف شده / هر که: ضمیر مبهم، نهاد / فکرت نکند: فعل مرکب / نقش: مسند / بر: حرف اضافه / دیوار: متمم / بیت سه جمله دارد.

آرایه ادبی: بر و در: جناس ناقص اختلافی / در و دیوار: مراعات نظیر / دیوار و نقش: تکرار / دیوار وجود: اضافه تشبیهی (دنیا به دیوار تشبیه شده است) / نقش بر دیوار بودن: کنایه از بی احساس بودن / تشبیه: هر که فکرت نکند مثل نقش است. / واج آرای حروف «و» و «ر»

کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح‌اند نه همه مستمعی، فهم کند این اسرار

معنی واژه: تسبیح: خدا را به پاکی یاد کردن، نیایش کردن / مستمع: شنونده / اسرار: ج سرّ، رازها

معنی بیت: کوه و دریا و درختان (همه ی موجودات) در حال نیایش خداوند هستند، اما هر شنونده‌ای این رازها را درک نمی‌کند.

نکته دستوری: کوه و دریا و درختان: نهاد / همه: ضمیر مبهم، بدل / در تسبیح: مسند (گاه حرف اضافه و متمم با هم در جایگاه مسند قرار می‌گیرند) / اند (هستند): فعل اسنادی / همه مستمع: نهاد / همه: وابسته پیشین، صفت مبهم / مستمع: هسته / این اسرار: مفعول / این: وابسته پیشین، صفت اشاره / اسرار: هسته / فهم نمی‌کند: فعل مرکب منفی

آرایه ادبی: کوه و دریا و درختان: مراعات نظیر / تشخیص: تسبیح کوه و دریا و درختان / واج آرای حروف «د» و «ر» / تلمیح به آیه ۴۴ سوره اسراء: «إِنَّ شَيْءَ الْإِنْسَانِ لِرَبِّهِمْ كَرِهٌ لِّعَيْنَيْهِ لَئِيْلٌ كَانَ عِندَ رَبِّهِمْ أَنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورٌ: چیزی در جهان نیست، مگر آن که خدا را تسبیح می‌کند و به پاکی می‌ستاید، لیکن شما تسبیح آن را نمی‌فهمید. به درستی که خدا صبور و آمرزنده است.» و نیز «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ: هر چه در آسمان و زمین است، خدا را ستایش می‌کند.»

خبرت هست که مرغان سحر می‌گویند: آخر ای خفته، سر از خواب جهالت، بردار؟

معنی واژه: خفته: خوابیده، منظور شاعر در اینجا انسان ناآگاه و غافل است. / جهالت: نادانی، بیخبری

معنی بیت: آیا خبر داری که پرندگان سحری به هنگام صبح می‌گویند: «ای انسان غافل، از بی خبری و نادانی، رها شو.»

نکته دستوری: خبر: مفعول / ضمیر پیوسته «ت» در «خبرت»: نهاد / مرغان سحر: نهاد / فعل «می‌گویند» گذرا به مفعول و مصراع دوم مفعول برای فعل می‌گویند. / آخر: قید / ای خفته (ای انسان خفته): منادا / خفته: صفت جانشین اسم / سر: مفعول / از: حرف اضافه / خواب جهالت: متمم / بردار: فعل امر / نهاد (تو) حذف شده است. / بیت چهار جمله است.

آرایه ادبی: خواب و سحر و خفته: مراعات نظیر / سر و سحر: جناس ناقص افزایشی / خواب جهالت: اضافه تشبیهی / سخن گفتن مرغان سحر: تشخیص / سر از خواب برداشتن: کنایه از آگاهی و بیداری / خفته (بن ماضی + ه)، خواب (بن مضارع از مصدر خفتن): اشتقاق (هم خانواده)

تا کی آخر چو بنفشه، سر غفلت در پیش؟ حیف باشد که تو در خوابی و نرگس، بیدار

معنی واژه: غفلت: بی خبری، نادانی / حیف: دریغ، افسوس

معنی بیت: تا کی می‌خواهی مثل بنفشه در غفلت و نادانی به سربری؟ حیف است که تو بی‌خبر و غافل باشی و گل نرگس بیدار و آگاه باشد.

نکته دستوری: کی: ضمیر پرسش / آخر: قید زمان / چو: حرف اضافه / بنفشه: متمم / سر غفلت: مفعول / در: حرف اضافه / پیش: متمم / فعل «داری» به قرینه معنوی حذف شده است. / حیف: مسند / باشد: فعل ربطی / تو: نهاد / خواب: مسند / «ی» در «خوابی»: فعل اسنادی / نرگس: نهاد / بیدار: مسند / است: فعل اسنادی به قرینه لفظی حذف شده

آرایه ادبی: بنفشه و نرگس: مراعات نظیر / تشبیه: انسان غافل به بنفشه تشبیه شده. / در و سر: جناس ناقص اختلافی / خواب و بیدار: تضاد و تناسب / بنفشه: در این بیت نماد غفلت و سرافکندگی / نرگس: نماد بینایی و آگاهی / سر غفلت در پیش گرفتن: کنایه از غافل بودن / خواب بودن بنفشه و بیدار بودن نرگس: تشخیص / سر غفلت: اضافه استعاری و تشخیص



یا که داند که بر آرد گل صدبرگ از خار؟

که تواند که دهد میوهٔ النوان از چوب؟

معنی واژه: النوان: جمع لون، رنگ‌ها

معنی بیت: چه کسی جز خداوند می‌تواند از چوب درخت، میوه‌های رنگارنگ بدهد؟ و چه کسی می‌تواند از خار، گل‌های سرخ زیبا پدید آورد؟

نکتهٔ دستوری: که: ضمیر پرسشی، نهاد / تواند: فعل گذرا به مفعول و تمام مصراع اول مفعول آن است. / نهاد «او» حذف شده است. / میوهٔ النوان: مفعول / از: حرف اضافه / چوب: متمم / که: ضمیر پرسشی، نهاد / داند: فعل گذرا به مفعول که تمام مصراع دوم مفعول آن است. / که: حرف ربط / بر آرد: فعل گذرا به مفعول / گل صد برگ: مفعول / از: حرف اضافه / خار: متمم / بیت چهار جمله است.

آرایهٔ ادبی: چوب: مجاز از درخت / گل و خار: تضاد و تناسب / که: جناس تام در هر دو مصراع («که» اول به معنی چه کسی و «که» دوم، حرف ربط است.) / میوه، چوب، گل، برگ: مراعات نظیر / واج آرایبی حروف «ر» و «ا» در مصراع دوم

فهم، عاجز شود از حقهٔ یاقوت انار

عقل، حیران شود از خوشهٔ زرین عنب

معنی واژه: حیران: سرگشته، متعجب / زرین: طلایی / عنب: انگور / عاجز: ناتوان / حقه: جعبه، ظرفی کوچک که در آن جواهر یا چیزهای دیگر نگهداری می‌شود. / یاقوت: نوعی سنگ گران قیمت که رنگ سرخ آن از بهترین سنگ‌های قیمتی است.

معنی بیت: عقل از زیبایی خوشهٔ طلایی انگور، حیران و سرگشته می‌شود و فهم انسان از درک زیبایی انار که همانند جعبهٔ یاقوت است، عاجز و ناتوان می‌گردد.

نکتهٔ دستوری: عقل: نهاد / حیران: مسند / از: حرف اضافه / خوشهٔ زرین عنب: متمم / خوشه: هسته / زرین: وابستهٔ پسین، صفت بیانی / عنب: وابستهٔ پسین، مضاف الیه / فهم: نهاد / عاجز: مسند / از: حرف اضافه / حقهٔ یاقوت انار: متمم / حقه: هسته / یاقوت: وابستهٔ پسین، مضاف الیه / انار: وابستهٔ پسین، مضاف الیه / بیت دو جمله دارد.

آرایهٔ ادبی: عنب و انار: تناسب / حقهٔ یاقوت انار: اضافهٔ تشبیهی (انار به جعبهٔ پر از یاقوت تشبیه شده است.) / حیران شدن عقل و عاجز شدن فهم: تشخیص

ماه و خورشید مسخر کند و لیل و نهار

پاک و بی‌عیب خدایی که به تقدیر عزیز

معنی واژه: تقدیر: سرنوشت، قضا، فرمان خدا / مسخر: رام، مطیع / لیل: شب / نهار: روز

معنی بیت: خداوند پاک و بی‌عیب که با فرمان خود تمام پدیده‌ها و موجودات (ماه و خورشید و شب و روز) را مطیع و رام خود ساخته است.

نکتهٔ دستوری: خدا: نهاد / پاک و بی‌عیب: مسند / به: حرف اضافه / تقدیر عزیز: متمم / ماه و خورشید: مفعول / مسخر کند: فعل مضارع / و: حرف ربط، چون بعد از فعل، آمده است، پس حتماً فعل حذف شده داریم. / لیل و نهار: مفعول / این بیت سه جمله است.

آرایهٔ ادبی: لیل و نهار: تضاد / لیل و نهار و ماه و خورشید: مراعات نظیر / تلمیح به آیهٔ «وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ وَ سَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ: خورشید و ماه و شب و روز، مطیع و فرمانبردار شما هستند.»

همه گویند و یکی گفته نیاید ز هزار

تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او

معنی واژه: کرم: بخشش / رحمت: لطف و مهربانی

معنی بیت: اگر همهٔ مردم تا روز قیامت دربارهٔ بخشش و لطف خداوند سخن بگویند، باز نمی‌توانند شکر یکی از هزاران نعمت خدا را به جای آورند.

نکتهٔ دستوری: «تا»، «ز: از» حرف اضافه هستند، پس کلمات «کرم» و «رحمت»، «قیامت» و «هزار» متمم‌اند. / همه: ضمیر مبهم، نهاد / سخن: مفعول / بیت دو جمله دارد.

آرایهٔ ادبی: قیامت، کرم و رحمت: مراعات نظیر / سخن و گفته و گویند: مراعات نظیر / گویند و گفته: اشتقاق / یک و هزار: تضاد و تناسب / یکی گفته نیاید ز هزار: کنایه از بی‌اندازه بودن رحمت خداوند

شکر انعام تو هرگز نکند شکرگزار

نعمت بار خدایا ز عدد بیرون است

معنی واژه: انعام: بخشش، نعمت دادن

معنی بیت: خداوند، نعمت‌های تو قابل شمارش نیستند و هیچ انسان شکرگزاری نمی‌تواند شکر نعمت‌های تو را به جای آورد.

نکتهٔ دستوری: نعمت: نهاد / «ت» در «نعمت: نعمت تو»: مضاف الیه / بار خدایا: منادا / عدد: متمم / بیرون: مسند / شکر انعام تو: مفعول / هرگز: قید نفی / شکرگزار: نهاد / بیت سه جمله دارد.

آرایهٔ ادبی: نعمت، شکر، انعام، شکرگزار: مراعات نظیر / ز عدد بیرون است: کنایه از بی‌شمار و فراوان بودن / شکر و شکرگزار: اشتقاق



راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار

سعدیا، راست‌روان گوی سعادت بردند

معنی واژه: راست روان: درست کاران، نیکوکاران / گوی: توپ کوچک / سعادت: خوشبختی / منزل: مقصد، هدف / کج رفتار: کسی که رفتار نادرست دارد.

معنی بیت: ای سعدی، انسان‌های درست‌کار، به سعادت و خوشبختی رسیدند، پس تو هم انسانی درست‌کار باش، زیرا انسان‌های بد رفتار به هدف و مقصود خود نمی‌رسند.

نکته دستوری: سعدی: منادا / «ا» در «سعدیا»: حرف ندا / راست روان: نهاد / گوی سعادت: مفعول / راستی: مسند / کن: فعل امر / کج رفتار: صفت جانشین اسم، نهاد / به: حرف اضافه / منزل: متمم / بیت چهار جمله دارد.

آرایه ادبی: که و به: جناس ناقص اختلافی / گوی سعادت: اضافه تشبیهی / گوی بردن: کنایه از سبقت گرفتن / واج آرایی حرف «س» / راست و کج: تضاد و تناسب / راست روان و راستی: اشتقاق (هم خانواده)



سعدی: مشرف الدین مصلح بن عبدالله شیرازی (۶۹۰ - ۶۰۶ هـ. ق) شاعر و نویسنده بزرگ قرن هفتم است. سعدی در شیراز به کسب علم پرداخت و سپس به بغداد رفت و در مدرسه نظامیه به تحصیل مشغول شد. در سال ۶۵۵ (هـ. ق) بوستان را به نظم آورد و در سال بعد (۶۵۶) گلستان را تألیف کرد. علاوه بر اینها قصاید و غزلیات، قطعات و ترجیع‌بند و رباعیات و مقالات و قصاید عربی دارد که همه را در «کلیات» وی جمع کرده‌اند.



گاهی تغییر در یک واج، موجب تغییر معنای یک واژه می‌شود. به عنوان نمونه، واژه «انعام» به معنی بخشش و واژه «انعام» به معنی چهارپایان است.
مثال: مهر و مَهر / مَلک و مَلِک / پَر و پُر



روزی پیر ما، با جمعی از همراهان به در آسیابی رسید. افسار اسب کشید و ساعتی درنگ کرد؛ پس به همراهان گفت: «می‌دانید که این آسیاب چه می‌گوید؟ می‌گوید: معرفت این است که من در آنم. گرد خویش می‌گردم و پیوسته در خود سفر می‌کنم تا هر چه نباید، از خود دور گردانم!»

معنی واژه: پیر: در اصطلاح اهل عرفان یعنی مرشد و رهبر / آسیاب: دستگاهی که به وسیله آن غلات را آرد می‌کنند. / افسار: عنان / درنگ: تأمل و توقف / معرفت: شناخت، علم

معنی عبارت: افسار اسب کشید: اسب را متوقف کرد. / ساعتی درنگ کرد: مدتی آنجا ماند، مدتی توقف کرد. / معرفت این است که من در آنم: شناخت و آگاهی واقعی آن است که من دارم، شناخت واقعی کاری است که من در حال انجام آن هستم. / گرد خویش می‌گردم: دور خودم می‌چرخم. / و پیوسته در خود سفر می‌کنم: همواره اخلاق و کارهای خود را بررسی می‌کنم. / تا هر چه نباید، از خود دور گردانم: تا هر آنچه را که شایسته نیست، کنار بگذارم و انجام ندهم.

نکته دستوری: من: نهاد / در آن: مسند / مَ (هستم): فعل اسنادی / می‌گردم: فعل غیراسنادی است، زیرا به معنای «می‌چرخم» است. / نباید: فعل از مصدر «بایستن»

آرایه ادبی: افسار اسب کشید: کنایه از اینکه اسب را متوقف کرد. / این آسیاب می‌گوید: تشخیص / در خود سفر می‌کنم: کنایه از اینکه اخلاق و درون خودم را جست‌وجو می‌کنم.



ایستگاه اعلام آشار

اسرارالتوحید فی مقامات شیخ ابوسعید: کتابی است در احوال شیخ ابوسعید ابی‌الخیر که محمدبن منور (یکی از نوادگان وی) آن را نوشته است.

ایستگاه واژگان اطالی

بامداد - تفاوت - لیل و نهار - صحرا - تنبیه - اقرار - نقش عجب - دیوار وجود - تسبیح - مستمع - فهم - اسرار - مرغان
 سحر - جهالت - غفلت - حیف - الوان - صد برگ - عقل - حیران - خوشه زرین عنب - عاجز - حقه یاقوت انار - بی‌عیب
 - تقدیر عزیز - مسخر - قیامت - رحمت - نعمت - عدد - انعام - سعیدیا - راست‌روان - کج رفتار - تنبیه - شکرگزار -
 سعیدیا - راست‌روان - گوی سعادت - کلیات سعدی - قصاید - جمعی - همراهان - افسار اسب - ساعتی درنگ - معرفت -
 اسرارالتوحید - محمد بن منور

ایستگاه واژگان هم‌خانواده

نقش: نقاش، منقش، نقاشی، نقوش، نقشه	آفرینش: آفریدگار، آفریننده، آفریدن
اقرار: مقرر، تقریر	عجب: متعجب، اعجاب، اعجوبه
جهالت: جهل، جاهل، مجهول	خفته: خوابیده، خواب
حیران: حیرت، تحیر، متحیر	غفلت: غافل، تغافل، اغفال
زرین: زر، زری، زربافت، زرنگار	عقل: عقلا، عقول، عقلانی، تعقل
تقدیر: مقدر، قدیر، قدر، مقدار	عاجز: اعجاز، معجزه، عجوزه
نعمت: انعام، منعم	مسخر: تسخیر
	سعادت: سعید، مسعود، سعدی

پرسش‌های تشریحی «درس اول و مکایت»

۱- معنی لغات زیر را بنویسید.

تنبیه:	عنب:	اقرار:	الوان:
انعام:	مستمع:	عاجز:	حقه:

۲- معنی و مفهوم ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید.

(الف) این همه نقش عجب، بر در و دیوار وجود هر که فکرت نکند، نقش بود بر دیوار
 (ب) تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او همه گویند و یکی گفته نباید ز هزار
 (پ) آفرینش همه تنبیه خداوند دل است دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار
 (ت) پیوسته در خود سفر می‌کنم، تا هر چه نباید، از خود دور گردانم

۳- مفهوم بیت «دیده‌ای نیست نبیند رخ زیبای تو را / نیست گوشی که همی نشنود آوای تو را» چیست؟

۴- نقش دستوری واژه‌های مشخص شده بیت «تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او / همه گویند و یکی گفته نباید ز هزار» را بنویسید.

۵- جمع مکسر واژه‌های زیر را بنویسید.

عقل:	نقش:	سر:	لون:
------	------	-----	------



۶- در گروه‌های اسمی مشخص شده هسته و انواع وابسته‌ها را بنویسید.

(الف) این همه نقش عجب، بر در و دیوار وجود

(ب) فهم عاجز شود از حقه یاقوت انار

(پ) سعدیا، راست‌روان گوی سعادت بردند

(ت) نه همه مستمعی فهم کند این اسرار

۷- آرایه‌های ابیات زیر را تشخیص دهید.

(الف) سعدیا، راست‌روان گوی سعادت بردند

(ب) کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح‌اند

(پ) تا کی آخر چو بنفشه، سر غفلت در پیش؟

(ت) که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟

(ث) پاک و بی‌عیب خدایی که به تقدیر عزیز

راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار

نه همه مستمعی، فهم کند این اسرار

حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار

یا که داند که برآرد گل صد برگ از خار؟

ماه و خورشید مسخر کند لیل و نهار

۸- در گروه کلمات زیر، بعضی واژه‌ها از نظر املائی درست نیستند؛ صحیح آنها را بنویسید.

«غزا و تقدیر - مُستمع و شنونده - شکرگذار و ممنون - گل و خوار - اقرار و اعتراف - لیل و نهار - ثنایی غزنوی»

۹- «بوستان» سعدی در قالب سروده شده و دارای باب است.

۱۰- کتاب «اسرارالتوحید» نوشته کیست؟ موضوع آن چیست؟

پرسش‌های چهارگزینه‌ای «فصل اول»

۱- معنی کدام واژه درست نیست؟

- ۱) اقرار: اعتراف ۲) حقه: جعبه ۳) تنبیه: هشیار ۴) صنع: آفرینش

۲- در کدام گزینه، همه واژه‌ها درست معنی نشده است؟

- ۱) منحنی: خمیده / منزوی: گوشه‌نشین / پیله: محفظه کرم ابریشم
 ۲) رستن: رها شدن / وارheidن: آزاد شدن / بهر: برای
 ۳) قندیل: لوستر / دیبا: پارچه ابریشمی رنگین / فراخ: وسعت
 ۴) عنب: انگور / مستمع: شنونده / تسبیح: خدا را به پاکی یاد کردن

۳- مفهوم کدام گزینه به بیت «پاک و بی‌عیب خدایی که به تقدیر عزیز / ماه و خورشید مسخر کند لیل و نهار» نزدیک‌تر است؟

- ۱) خداوند کیهان و گردان سپهر ۲) توحیدگوی او نه بنی‌آدم‌اند و بس
 ۳) بعد از خدای هر چه پرستند هیچ نیست ۴) خدایا، جهان پادشاهی تو راست
 ۱) خداوند ماه و ناهید و مهر ۲) هر بلبلی که زمزمه بر شاخسار کرد
 ۳) بی‌دولت آن‌که بر همه هیچ اختیار کرد ۴) ز ما خدمت آید، خدایی تو راست

۴- در کدام گزینه، مفهوم کلی بیت به درستی مقابل آن نیامده است؟

- ۱) هر کاو عمل نکرد و عنایت امید داشت ۲) تا کی آخر چو بنفشه سرغفلت در پیش
 ۳) ستودن نداند کس او را چو هست ۴) در حبس و خلوتم تا وارهم به مرگ
 ۱) دانه نکشت ابله و دخل انتظار داشت (امید موفقیت داشتن بدون زحمت)
 ۲) حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار (اعتراض به غفلت و بی‌خبری)
 ۳) میان بندگی را بیایدت بست (ناتوانی بندگان در ستایش خدا)
 ۴) یا پر برآورم بهر پریدنی (آرزوی مرگ داشتن)

۵- در کدام گزینه، غلط املایی وجود دارد؟

- ۱) قوس قزح - عجایب حق تعالی - ترجیح و برتری دادن ۲) بساط گسترده - قناعت مورچه - جاذبه و دافعه
 ۳) قندیل ستارگان - میغ و ابر - مدهوش و متحیر ۴) منهنی و خمیده - حبس و خلوت - محبس تن

۶- در کدام گزینه، صفت دیده نمی‌شود؟

- ۱) خوشه زرین ۲) پای کوبی نابهنجار ۳) دوستان خیرخواه ۴) چشم نرگس

۷- کدام گزینه با بقیه گزینه‌ها فرق دارد؟

- ۱) بیکاران ۲) کشتیان ۳) گلستان ۴) ریسمان

۸- فعل «است» در کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- ۱) آنچه بر روی زمین است از انواع نباتات ۲) عجایب خلقت، آیات حق تعالی است
 ۳) آنچه در بر و بحر است از انواع حیوانات ۴) آنچه در کوه‌ها است از جواهر و معادن

۹- در همه گزینه‌ها، واژه مشخص شده «هسته» گروه اسمی است، به جز گزینه

- ۱) دوست خوب، احساس آرامش و سبکی و صفای درون را در ما زنده می‌سازد.
 ۲) با شناخت ریشه واژه‌ها و معنی آنها می‌توانیم دامنه واژگانی خود را افزایش دهیم.
 ۳) امروز، همین حس مشترک، هم‌زیستی ما را معنا می‌بخشد.
 ۴) مادر، گرامی گوهری است که در کارگاه آفرینش خدای مهربان، همتایی ندارد.

۱۰- جمع مکسر کدام واژه درست نیست؟

- ۱) نصیحت: نصایح ۲) سریر: سرایر ۳) نعمت: انعام ۴) فهم: افهام

۱۱- در عبارت «نخستین بار از زبان خاله و گاهی هم مادرم بود که قصه‌های اصیل ایرانی را شنیدم. ما همان‌گونه روی قالیچه می‌نشستیم و

گلستان سعدی می‌خواندیم.» به ترتیب چند وابسته پیشین و چند وابسته پسین آمده است؟

- ۱) یک - شش ۲) یک - هفت ۳) دو - شش ۴) دو - هفت



۱۲- در کدام گزینه، هسته گروه اسمی به درستی مشخص نشده است؟

- ۱) همان اتاق بدون شیشه
 ۲) فضای فکری فارسی زبان‌ها
 ۳) همان پنجره چوبی
 ۴) درجه حرارت جوشیدن جیوه

۱۳- در عبارت «این عالم، خانه خداست و فرش وی، زمین است و لکن سقفی بی‌ستون و قندیل‌های وی ستارگان است و تو از عجایب این، غافل.» چند وابسته پسین وجود دارد؟

- ۱) پنج
 ۲) شش
 ۳) هفت
 ۴) هشت

۱۴- کدام ترکیب با بقیه متفاوت است؟

- ۱) گوی سعادت
 ۲) شکر انعام
 ۳) حقه یاقوت
 ۴) نقش عجب

۱۵- در عبارت «شور زندگی، یک بار دیگر، مردان دلاور را به خرمشهر کشانده است. شاید آنان درنیابند؛ اما شهر در پناه شهداست.

خرمشهر شقایقی خون رنگ است که داغ جنگ بر سینه دارد.» به ترتیب چند ترکیب اضافی و چند ترکیب وصفی وجود دارد؟

- ۱) سه - چهار
 ۲) دو - چهار
 ۳) سه - سه
 ۴) دو - سه

۱۶- کدام آرایه در بیت «خبرت هست که مرغان سحر می‌گویند / آخر ای خفته، سر از خواب جهالت، بردار؟» دیده نمی‌شود؟

- ۱) تشخیص
 ۲) تلمیح
 ۳) استعاره
 ۴) تشبیه

۱۷- همه آثار به جز مربوط به کسی است که توضیحش در زیر آمده است.

«وی برای آموختن زبان فرانسه و ادامه تحصیل وارد مدرسه «سن لویی» در تهران شد. معلمی مهربان به نام «نظام وفا» او را در خط شعر و شاعری انداخت.»

- ۱) قصه رنگ پریده
 ۲) ای شب
 ۳) افسانه
 ۴) سراب

۱۸- کدام گزینه از آثار «سنایی غزنوی» نیست؟

- ۱) کارنامه بلخ
 ۲) نصیحة الملوك
 ۳) سیرالعباد الی المعاد
 ۴) حدیقه الحقیقه

۱۹- معنای درست واژه‌های «انعام، تسبیح، مسخر، عاجز» به ترتیب کدام است؟

- ۱) چهارپایان - نیایش کردن - رام - ناتوان
 ۲) بخشش - خدا را به پاکی یاد کردن - مطیع - ناتوانی
 ۳) نعمت دادن - نیایش کردن - مطیع - ناتوان
 ۴) بخشش - خدا را به پاکی یاد کردن - تمسخر کردن - بی‌کفایت

۲۰- معنای کدام لغت درست نیست؟

- ۱) منزوی: گوشه‌نشین
 ۲) محبس: زندانی
 ۳) قندیل: چراغدان
 ۴) سریر: اورنگ

۲۱- بیت «که تواند که دهد میوه الوان از چوب؟ / یا که داند که برآرد گل صدبرگ از خار؟» به کدام مفهوم بیشتر اشاره دارد؟

- ۱) عشق الهی
 ۲) جلوه‌های بهار
 ۳) زیبایی آفرینش
 ۴) قدرت پروردگار

۲۲- مفهوم کدام بیت در مقابل آن نادرست آمده است؟

- ۱) سعدیا، راست‌روان گوی سعادت بردند
 ۲) آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
 ۳) دیده‌ای نیست نبیند رخ زیبای تو را
 ۴) ستودن نداند کس او را چو هست
 راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار (رستگاری درستکاران)
 دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار (توجه به زیبایی‌های طبیعت)
 نیست گوشی که همی نشنود آوای تو را (ناتوانی در درک خداوند)
 میان بندگی را ببایدت بست (آماده شدن برای بندگی)

۲۳- مفهوم کدام گزینه با بقیه متفاوت است؟

- ۱) تا قیامت سخن اندر کرم و رحمت او
 ۲) هر کس به زبانی صفت حمد تو گوید
 ۳) کوه و دریا و درختان، همه در تسبیح‌اند
 ۴) هر گل و برگی که هست یاد خدا می‌کند
 همه گویند و یکی گفته نیاید ز هزار
 بلبل به غزل‌خوانی و قمری به ترانه
 نه همه مستمعی فهم کند این اسرار
 بلبل و قمری چه خوانند، یاد خداوندگار

۲۴- املای کدام گزینه با توجه به معنی نادرست است؟

- ۱) حقه: جعبه
 ۲) قوس قزح: رنگین کمان
 ۳) میق: ابر
 ۴) منحنی: خمیده

۱- معنای «که» در بیت «نیابد بدو نیز اندیشه راه / که او برتر از نام و از جایگاه» با معنای همین حرف در کدام بیت یکسان است؟

- ۱) آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
۲) این همه نقش عجب، بر در و دیوار وجود
۳) که تواند که دهد میوهٔ الوان از چوب
۴) سعدیا راستروان گوی سعادت بردند
- ۲- کدام آرایه در هیچ یک از بیت‌های زیر دیده نمی‌شود؟
گفت: بر من تیغ تیز افراشتی
خار بر پشت، زنی زین سان گام
برق از شوقی که می‌خندد بدین سان قاه‌قاه؟
کوه و دریا و درختان همه در تسبیح‌اند
- ۱) تضاد
۲) تلمیح
۳) تشبیه
۴) جان‌بخشی

۳- در عبارت زیر کدام زمان فعل یافت نمی‌شود؟
«اگر ابو حامد محمد غزالی را سر آمد روزگار خویش به شمار آوریم به خطا نرفته‌ایم. پدرش مردی بافنده بود و برخی لقب غزالی را به مناسبت پیشهٔ او می‌دانند.»

- ۱) ماضی بعید
۲) مضارع التزامی
۳) ماضی ساده
۴) ماضی نقلی
- ۴- سوم شخص مفرد فعل‌های «ماضی استمراری» و «مضارع اخباری» در همهٔ مصدرهای زیر تنها در یک حرکت اختلاف دارند، به جز
۱) خوردن
۲) بردن
۳) خواندن
۴) کندن
- ۵- در کدام گزینه، هر سه مورد «نهاد»، «متمم» و «صفت بیانی» دیده می‌شود؟

- ۱) گرچه منزل بس خطرناک است و مقصد بس بعید
۲) دور گردون، گر دو روزی بر مراد ما نرفت
۳) در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم
۴) حافظا! در کنج فقر و خلوت شب‌های تار
- ۶- رابطهٔ معنایی «دَد» و «جانور» برابر است با
۱) طرار و عطار
۲) ققنوس و طاير
۳) توپره و خرقة
۴) خز و دیبا

۷- بر پایهٔ واژه‌نامهٔ کتاب درسی، «سخن گو، سختی و خرسند» به ترتیب با «فائل، مشقت و قانع» مترادف‌اند. این سه واژه مترادف دارای حرف مشترک «ق» هستند. بر پایهٔ واژه‌نامهٔ کتاب درسی، در همهٔ گزینه‌ها مترادف سه واژه ذکر شده، حرف مشترک مشخص شده را دارند، به جز گزینهٔ
۱) دیر، خیراندیشی، آفرینش ← «ص»
۲) نکوهش، جرئت، دوری ← «ه»
۳) کندن، بوی خوش، آرزو ← «ح»
۴) جلوه‌گاه، چشم انداز، پیروز ← «ظ»

* متن زیر را که از کتاب «قابوسنامه» برگزیده شده است، به دقت بخوانید.

بدان ای پسر، مرد اگر بی‌برادر باشد، به که بی‌دوست؛ زیرا با دوستان، بسیار عیب‌های مردم پوشیده شود و هنرها گستریده، هرگز دوست بی‌هنر مدار که از دوست بی‌هنر فلاح (= رستگاری) نیاید و تو را کاستی در آید. پس با بی‌خردان هرگز دوستی مکن که دوست بی‌خرد از دشمن بخرد بهتر بود که دوست بی‌خرد از بدی با دوست آن کند که صد دشمن با خرد با دشمن نکند.



* با توجه به متن صفحه‌ی قبل، به سوال‌های ۸ و ۹ پاسخ دهید.

۸- در متن بالا، به مفهوم کدام ضرب المثل اشاره روشن‌تری شده است؟

۱۳۴

- ۱ دوست وقت تنگدستی دشمن است. ۲ دوست محرم بود به راز و نیاز
۳ دوستی با هر که کردم، خصم مادرزاد شد ۴ که دوستان وفادار بهتر از خویش‌اند (خویش: خویشاوند)

۹- کدام بیت با متن بالا، ارتباط معنایی کمتری دارد؟

- ۱ آینه چون نقش تو بنمود راست ۲ با بدن کم نشین که صحبت بد
۳ دشمن دانا که غم جان بود ۴ سگ اصحاب کهف، روزی چند
خود شکن آینه شکستن خطاست گرچه پاکی، تو را پلید کند
بہتر از آن دوست که نادان بود پی نیکان گرفت و مردم شد.

* بیت‌های زیر را که از کتاب «اسکندرنامه نظامی» برگزیده شده است، به دقت بخوانید.

- ۱- هر آنچه آفریده است، بیننده را ۲- یکی را به گردون دهد بارگاه
۳- که از زهره آن که از بیم تو ۴- در این نیم شب کز تو جویم پناه
۵- عقوبت مکن، عذرخواه آمدم ۶- نظامی بدین بارگاه رفیع
نشان می‌دهد آفریننده را (آنچه: آنچه)
یکی را ز کیوان برد سوی چاه
گشاید زبان جز به تسلیم تو
به مهتاب فضلم بر افروز راه
به درگاه تو رو سیاه آمدم
نیارد به جز مصطفی را شفیع

با توجه به بیت‌های بالا، به سؤال‌های «۱۰» تا «۱۴» پاسخ دهید.

۱۰- کدام آرایه در این بیت‌ها دیده نمی‌شود؟

- ۱ تشبیه ۲ کنایه ۳ جان‌بخشی ۴ جناس

۱۱- کدام مورد در این بیت‌ها یافت نمی‌شود؟

- ۱ پرسش انکاری ۲ واژه مرکب ۳ تخلص ۴ منادا

۱۲- بیت «این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود / هر که فکرت نکند، نقش بود بر دیوار» از نظر مفهومی به کدام بیت بالا نزدیک‌تر است؟

- ۱ بیت ۱ ۲ بیت ۲ ۳ بیت ۳ ۴ بیت ۴

۱۳- مفهوم بیت «یکی را به سر، برنهد تاج بخت / یکی را به خاک اندر آرد ز تخت» در کدام بیت بالا تکرار شده است؟

- ۱ بیت ۲ ۲ بیت ۳ ۳ بیت ۴ ۴ بیت ۵

۱۴- بیت «نگاهی کن که رو آرم به سویت / رهی بنما که جا گیرم به کویت» با کدام بیت بالا تشابه معنایی بیشتری دارد؟

- ۱ بیت ۳ ۲ بیت ۴ ۳ بیت ۵ ۴ بیت ۶

حکایت زیر را که بر گرفته از یکی از آثار ادبی کهن فارسی است، به دقت بخوانید.

موری را دیدند کمر بسته و ملخی را ده برابر خود برداشته به تعجب گفتند: «این مور را ببینید که با این ناتوانی باری به این گرانی چون می‌کشد.» مور چون این سخن بشنید، بخندید و گفت: «مردان، بار را با نیروی همت و بازوی حمیت (= غیرت) کشند نه به قوت تن و ضخامت بدن.»

باری که آسمان و زمین سر کشید از آن مشکل توان به یاوری جسم و جان کشید
همت قوی کن از مدد رهروان عشق کان بار را به قوت همت توان کشید
با توجه به متن بالا، به سؤال ۱۵ پاسخ دهید.

۱۵- با توجه به «شکل و ساختار ظاهری» این حکایت از کدام اثر ادبی نمی‌تواند باشد؟

- ۱ گلستان ۲ بهارستان ۳ کیمیای سعادت ۴ روضه خلد

۱- در داستان «شیر حق»، بیت «باد خشم و باد شهوت، باد آز / برد او را که نبود اهل نماز» به کدام «مهارت زندگی» اشاره روشن تری دارد؟

- ۱ خودآگاهی: شناخت توانایی‌ها، نیازها، استعدادها و ضعف‌های خود
- ۲ ارتباط مؤثر: ارتباط درست و سنجیده با دیگران
- ۳ تصمیم‌گیری: تدبیر مناسب در موقعیت‌های مهم
- ۴ چیرگی بر احساسات و هیجانات: مهار احساسات گوناگون

۲- در جفت واژه‌های همه گزینده‌ها، هر سه رابطه «تضاد، ترادف و هم‌خانوادگی» دیده می‌شود؛ به جز

- ۱ انسجام و تشمت - ذکاوت و فراست - مشعل و شعله
- ۲ سپهر و فلک - عارفان و معروف - غره و فروتن
- ۳ از واژه «کارد» با حذف یک حرف (مثلاً «د») و از واژه «معصوم» با تغییر یک حرف به حرف دیگر (مثلاً «ص» به «ل»)، واژه معنادار دیگری پدید می‌آید. در همه گزینده‌های زیر، واژه‌هایی می‌توان یافت که به ترتیب با حذف و تغییر یک حرف به حرف دیگر، به واژه معنادار تازه‌ای تبدیل شوند؛ به جز

- ۱ بحر - روشنایی
- ۲ کارآگاه - آتش‌نشان
- ۳ خاندان - حوض
- ۴ نیام - بنیان

۴- با توجه به رابطه معنایی هر «گروه واژه»، کدام گزینه غلط‌های املایی دارد؟

- ۱ مطیع و مسخر - تبار و سلاله - عزیمت و رحلت
- ۲ جزر و مد - جدال و غزا - مدیحه و ثنا
- ۳ مضایقه و دریغ - دیر و صومعه - رعد و برق
- ۴ کنه و ذات - تسبیح و تضرع - همت و مصاعی

۵- در کدام بیت، همه آرایه‌های ادبی «تشبیه»، «جان‌بخشی»، «تضاد» و «مراعات‌نظیر» دیده می‌شود؟

- ۱ عقل حیران شود از خوشه زریں عنب
- ۲ تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش
- ۳ بلبلان وقت گل آمد که بنالند از شوق
- ۴ درد پنهان به تو گویم که خداوند منی

۶- نام کدام اثر ادبی برگرفته از نام نویسنده آن است؟

- ۱ اخلاق ناصری
- ۲ مخزن الاسرار
- ۳ رساله قشیریه
- ۴ اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابوسعید

۷- مفهوم کدام بیت زیر با دیگر بیت‌ها ارتباط و تناسب کمتری دارد؟

- ۱ آفتابی چنین، که می‌تابد چشم خفاش در نمی‌یابد
- ۲ به بینندگان آفریننده را نبینی، مرنجان دو بیننده را
- ۳ مهر درخشنده چو پنهان شود شب‌پره بازیگر میدان شود (شب‌پره: خفاش)
- ۴ نور خورشید در جهان فاش است آفت از ضعف چشم خفاش است

۸- مفهوم کدام بیت به عبارت «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» نزدیک‌تر است؟

- ۱ چو در دانش و دین سرافراز گشت همه دانش و دین بدو بازگشت
- ۲ آفرینش همه تنبیه خداوند دل است دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار
- ۳ آنچه در علم بیش می‌یابد دانش ذات خویش می‌یابد
- ۴ بدان خود را که از راه معانی خدا را دانی از خود را بدانی



۹- در همه گزینه‌ها، با افزودن جزء معنا ساز «ان» و «ش» به بن هر دو مصدر واژه معنادار پدید می‌آید؛ به جز

- ① باریدن - خروشیدن ② سوختن - لرزیدن ③ تابیدن - خواستن ④ نگریستن - درخشیدن

۱۰- در کدام گزینه، هم وابسته پیشین و هم وابسته پسین دیده می‌شود؟

- ① اگر کار به دست من استی، یک ساعت از خدمتت نیاسودمی. اما تو مرا زیر دست مخلوق کرده‌ای؛ به خدمت تو، از آن دیر می‌آیم.
 ② اگر در خانه‌ای شوی که به نقش و گچ، کنده کرده باشند، روزگاری دراز، صفت آن گویی و تعجب کنی و همیشه در خانه خدایی، هیچ تعجب نکنی؟

- ③ نگاه کن، مرغان هوا و حشرات زمین همه از هم نیکوتر؛ که غذای خویش چون به دست آرند و بچه را چون نگه دارند.
 ④ چراغ وی ماه است و شعله وی آفتاب و تو از عجایب این، غافل؛ که خانه بس بزرگ است و چشم تو بس مختصر.

حافظ در غزلی، گفته‌ها و پندهای کاردانی «تیزهوش» را برای ما بازگو می‌کند. بیت‌هایی از این غزل را بخوانید.

- ۱- دوش با من گفت پنهان، کاردانی «تیزهوش»
 ۲- گفت: آسان گیر بر خود کارها، کز روی طبع
 ۳- گوش کن پند ای پسر؛ وز بهر دنیا غم مخور
 ۴- تا نگردی آشنا، زین پرده رمزی نشنوی
 ۵- در حریم عشق، نتوان زد دم از گفت و شنید
 ۶- بر بساط نکته‌دانان، خودفروشی شرط نیست
 یا توجه به بیت‌های بالا، به پرسش‌های «۱۱» تا «۱۵» پاسخ دهید.

۱۱- در بیت‌های غزل بالا، کدام آرایه یافت نمی‌شود؟

- ① واج آرایه ② تشبیه ③ تضاد ④ جان بخشی

۱۲- کدام بیت غزل بالا، همه نقش‌های دستوری «متمم»، «مفعول»، «مسند» و «منادا» را دارد؟

- ① بیت ۲ ② بیت ۳ ③ بیت ۴ ④ بیت ۶

۱۳- کدام فعل در غزل بالا دیده نمی‌شود؟

- ① ماضی نقلی ② مضارع اخباری ③ مضارع التزامی ④ ماضی ساده

۱۴- شباهت‌های سبکی شعر سعدی و حافظ باعث می‌شود برخی از مفاهیم مطرح شده در شعر سعدی را در غزلیات حافظ نیز بتوان یافت. کدام بیت از سعدی با بیت چهارم این غزل حافظ، تشابه مفهومی کمتری دارد؟

- ① سخن را روی در صاحب‌دلان است
 ② وگر عارفی، محرم راز گشت
 ③ از هزاران، در یکی گیرد سماع
 ④ ولیکن با که گویم راز، چون محرم نمی‌بینم
 نگوید از حرم، آلا به محرم
 ببندند بر وی، در بازگشت
 زانکه هر کس محرم پیغام نیست
 مدارا می‌کنم با درد، چون درمان نمی‌بینم

۱۵- در غزل حافظ، گاه برخی از مفاهیم تعلیمی - که در آثار گذشتگان او آمده است - بیان شده است. مفهوم بیت ششم از غزل حافظ به کدام عبارت از کتاب قابوس‌نامه نزدیک‌تر است؟

- ① ای پسر، از شنودن هیچ سخن ملول مباش؛ اگر به کارت آید و اگر نه بشنو تا در سخن بر تو بسته نبود.
 ② ای پسر، اندر کارها افراط نکن و افراط را شوم دان و اندر هر شغلی میانه باش.
 ③ همیشه اندیشه را مقدم گفتار دار و هر چه بگویی نااندیشیده مگوی تا بر گفته خویش پشیمان نشوی.
 ④ ای پسر، هر چه توانی پیرعقل باش، نگویم که جوانی مکن، لکن جوانی خویشتن‌دار باش و از جمله جوانان پزمرده مباش.